

انعکاس شخصیت امام علی^(ع) در شعر سید حمیری
و مقایسه آن با سیمای انسان کامل در اشعار ناصر خسرو

دکتر نجمه نظری^۱

دکتر مرتضی قائمی^۲

زهرا طهماسبی^۳

چکیده

ناصر خسرو - قصیده سرای نامدار قرن پنجم - شاعری شیعی مذهب، دوستدار اهل بیت^(ع) و معتقد به مبارزه با دشمنان آل رسول^(ص) و جهل و ستم و تزویر است. این شاعر برجسته یادآور سید حمیری - شاعر شیعی و متعهد قرن دوم - در ادبیات عرب است. از آنجا که این دو شاعر ایرانی و عرب، شعر را نه هدف بلکه وسیله‌ای برای بیان اعتقادات خود می‌دانند و به سرودن اشعار اعتراضی و اعتقادی شهرت دارند، بر اساس سروده‌هایشان می‌توان سیمای انسان کامل را از نگاه آنان به تصویر کشید.

در شعر ناصر خسرو، صفات انسان کامل در محورهایی چون خردورزی و تفکر، آگاهی‌بخشی، پایبندی و توجه به علم دین و... تبیین می‌گردد. در شعر سید حمیری انسان کامل در سیمای حضرت علی^(ع) تجلی می‌یابد و در محورهایی چون داشتن کرامات و امتیازات منحصر به فرد، سبقت در ایمان و توحید و عمل به فرائض دینی، تأیید از ناحیه پروردگار، داشتن علم الهی، معرفت دین، شجاعت مثال‌زدنی و داشتن فهم و درکی بی‌نظیر از قرآن معرفی می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: انسان کامل، ناصر خسرو، سید حمیری

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا. najmenazari@gmail.com

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا. mortezaghaemi2@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان.

zahra_tahmasebi62@yahoo.com

تاریخ پذیرش

۹۴/۲/۲۰

تاریخ دریافت

۹۳/۶/۲۵

مقدمه

یکی از عمیق‌ترین مفاهیمی که هر شاعر ممتاز و ژرف‌اندیشی به فراخور رشد اعتقادی و فکری خود می‌تواند به آن پردازد، انعکاس و ترسیم سیمای درخشان انسان کامل است. پرداختن به مفهوم انسان کامل و توصیف ویژگی‌ها و مختصات یک شخصیت برتر و گاه یک چهره فوق بشری، مضمونی رایج در آثار بسیاری از شاعران برجسته و صاحب سبک به شمار می‌رود.

این تصویر دارای جوانب و تعاریف متفاوت و متنوعی است که باید ویژگی‌ها و مختصات آن را نزد هر شاعری جداگانه و با نظر به حیطة اندیشه و سرچشمه الهامات شعری و شخصیت آن شاعر بررسی کرد. می‌توان گفت کامل‌ترین تصویر از انسان کامل که در حد اعلای رشد و پختگی و جلای معانی قرار دارد، در شعر شاعران مسلمان ترسیم شده است. دلیل این امر، آن است که ایشان نمونه‌هایی والا و منحصر به فرد از شخصیت پیامبر گرامی اسلام^(ص) و اهل بیت^(ع) برای ترسیم یک الگوی نمادین از انسان کامل، همواره پیش رو داشته‌اند و از این طریق، حقیقی‌ترین چهره از انسان کامل را به نمایش گذاشته‌اند.

به عبارت دیگر مفهوم انسان کامل در متون دینی و ادبی ما پیوند ویژه‌ای با مفهوم ولی دارد. مخصوصاً در بیان مذهبی و ادبی مکتب تشیع، ولی و انسان کامل در واقع یکی بوده و هر دو ترجمانی از وجود قدسی و مطهر امام معصوم هستند. در دیوان سید حمیری به عنوان یکی از برجسته‌ترین شاعران شیعه در ادبیات عرب، اعتقاد به وجوب ولایت مطلق ائمه هدی به صورتی گسترده دیده می‌شود.

نام کامل این شاعر شیعی مذهب، اسماعیل بن محمد بن یزید الحمیری، کنیه او ابوهاشم یا ابوعامر و «سید» لقب اوست. (الاصفهانی، ۱۴۲۳: ۱۷/ ۱۷۷؛ العاملی، ۱۹۵۸: ۳/ ۴۰۵) وی در عمان متولد و در بصره بزرگ شد. ولادت او در سال ۱۰۵ هجری و وفات او در یکی از سال‌های ۱۷۳، ۱۷۸ یا ۱۷۹ در زمان خلافت هارون الرشید اتفاق افتاده است. (سزگین، ۱۴۱۲: ۲/ ۲۳۱) سید حمیری را باید از شاعرانی به شمار آورد که شعر خود را در خدمت نشر مفاهیم دینی و تبیین فضایل اهل بیت^(ع) و دفاع از ایشان قرار داده است.

در ادبیات فارسی کهن، شاعری که از لحاظ اعتقاد و اندیشه به سید حمیری نزدیک است، ناصر خسرو قبادیانی است. ناصر خسرو - قصیده‌سرای نامدار قرن پنجم - به سرودن

اشعار حکمی، پندآموز و انتقادی شهرت دارد. آنچه در سراسر دیوان این شاعر خراسانی دیده می‌شود، متعلق به دوران دوم شاعری او و پس از تحولی است که در شخصیت این شاعر رخ داده است. در این سروده‌ها احساس تعهد، مبارزه و تلاش خستگی‌ناپذیر شاعری را می‌بینیم که درد دین دارد و برای آگاه کردن مردم و نشان دادن چهره واقعی ارباب قدرت و اصلاح جامعه از تمام آنچه اعم از خانواده، مقام، ثروت، نام، امنیت و... دارد، می‌گذرد. در حقیقت «ناصر خسرو در زبان فارسی نخستین گوینده‌ای است که شعر را در خدمت فکر اخلاقی نهاده است... شعر در نظر او مرکوب اندیشه است و جدا از آن به خودی خود ارزشی ندارد.» (اسلامی ندوشن، ۱۳۵۳: ۳۱) ناصر خسرو از هنر شاعری برای ترسیم مدینه فاضله اخلاقی بهره می‌گیرد. از آنجا که در سروده‌های این شاعر از ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها بسیار سخن می‌رود، از ورای این بایدها و نبایدها می‌توان سیمای «انسان کامل» را به تصویر کشید.

مفهوم انسان کامل

در تعالیم اسلامی، انسان کامل کسی است که به عالی‌ترین مقام یعنی قرب الهی رسیده باشد. او نایب و خلیفه الهی است. در کتاب *الانسان الکامل* آمده است: «بدان که انسان کامل آن است که در شریعت و طریقت و حقیقت تمام باشد. بدان که انسان کامل آن است که او را چهار چیز به کمال باشد. اقوال نیک و افعال نیک و اخلاق نیک و معارف... آدمیان زبده و خلاصه کائنات‌اند و میوه درخت موجودات‌اند و انسان کامل زبده و خلاصه آدمیان است. موجودات جمله به یکبار در تحت نظر انسان کامل‌اند...» (نسفی، ۱۳۷۹: ۷۴-۷۵)

عبدالکریم جیلی نیز انسان کامل را چنین معرفی می‌کند: «بدان ای برادر که انسان کامل نسخه حق تعالی است، همان‌گونه که پیامبر^(ص) از آن خبر داده است و گفته: «خلق الله آدم علی صورة الرحمن» و این بدان سبب است که خداوند زنده دانای توانای شنوای بینای سخنگوست و انسان نیز زنده دانا و... است. سپس بدان که انسان کامل کسی است که شایسته اسماء ذاتیه و صفات الهی است. او صورت خویش را جز در آئینه اسم «الله» نبیند. پس این نام آینه اوست و انسان کامل نیز آینه حق است و خداوند تعالی بر خویش واجب کرده است که اسما و صفات خویش را جز در انسان کامل نبیند.» (به نقل از نیکلسون، ۱۳۷۴: ۱۱۰)

_____ انعکاس شخصیت امام علی^(ع) در شعر سید حمیری و اشعار ناصر خسرو (۱۳۱-۱۰۸) ۱۱۱

بنابراین انسان کامل، انسانی است متخلّق به اخلاق الهی و واسطه میان حق و خلق، که اقوال نیک (شریعت) افعال نیک (طریقت) و اخلاق نیک (حقیقت) در او به کمال رسیده است و وجود او علت غایی خلقت و سبب ایجاد و بقای عالم است. «همان گونه که تماشاگر جلوه خدا از تماشای او لذت می برد و راه تخلّق به اخلاق الهی را می آموزد، تماشاگر جلوه های انسان کامل و خلیفه الله نیز از تماشای جمال و کمال او لذت می برد و الگو یا اسوه تکامل خویش را می یابد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱/ ۲۶)

اینک به چگونگی تجلی مفهوم انسان کامل در شعر ناصر خسرو و سید حمیری می پردازیم.

سیمای امام علی^(ع) در اشعار سید حمیری

در دیوان سید حمیری، انسان کامل بیش از همه در سیمای ملکوتی حضرت امیرالمؤمنین علی^(ع) تجلی می یابد. شاعر بدون هیچ حاشیه رفتن و بی هیچ تکلفی و حتی بدون هیچ لفاظی و تصویرسازی پیچیده ای، هزار آینه تصویر از سیمای مرشد کامل و ولی مطلق، حضرت امام المتّقین می سازد و پیش چشم مخاطبان خود قرار می دهد.

سید یک شیعه حقیقی است و در جای جای دیوان خود به ساحت مقدس تک تک ائمه معصومین^(ع) ابراز ارادت می کند و خود را همیشه در خط ولایت مطلق ایشان می داند؛ اما آنچه برجسته تر از هر الگو و شخصیت دیگری در اشعار او نمود داشته، بازتابی است که از شخصیت حضرت امیر^(ع) ارائه می دهد. سید از اعتقادات تشیّع محض، سیراب شده و به مراحل بالایی از عرفان ناب و حقیقی دست یافته و ولی و انسان کامل حقیقی را کسی جز معصومین^(ع) نمی داند؛ بی آنکه به عنوان یک شاعر عارف و دارای درجات و مراتب روحانی مطرح باشد.

وی بر آن است که تنها مرشد کامل و قطب هستی و تنها شخصیت قابل تبعیت و لایق سرپرستی و ولایت، امام معصوم است و جز آن کس که از ناحیه خدا و رسول، تأیید و تعیین صد در صد گرفته باشد کسی را یارای آن نیست که به چنین مقام والایی دست یازد. هدف سید بیان گنجینه وسیعی از معارف حقّه اهل بیت برای عامه مردم است؛ لذا نه به پردازش های رمزگونه و دیرباب عرفانی، در نشان دادن سیمای انسان کامل خویش نظر دارد و نه از چون و چراها و مجادلات فلسفی - که در زمان شاعر به تازگی وارد ادبیات شده

است- استقبال می‌کند. در نتیجه قالب مدح و بیان فضائل و مناقب، راهی است که شاعر برای انعکاس سیمای امام علی^(ع) برمی‌گزیند.

از آنجا که انسان کامل در اشعار سید تنها وجود مطهر حضرت امیر است، لذا محورهایی که تجلی وجوه مختلف این چهره تابناک را در آن‌ها می‌بینیم، کاملاً منطبق بر حوادث ممتاز زندگی امام و کراماتی است که از ایشان نقل شده است. از این‌رو وجوه مختلف منعکس‌شده از انسان کامل در شعر سید، همگی واقعی و برخاسته از الگویی عینی و ملموس است. این امر نکته برجسته‌ای است که در باب سیمای انسان کامل در ادبیات شیعی می‌توان به آن رسید؛ در حالی که در اشعار دیگر غالباً چنین تضمینی از واقعیت وجود ندارد.

محورهای تجلی سیمای انسان کامل را در شعر سید اجمالاً می‌توان در شش مورد خلاصه کرد که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

۱- سبقت در ایمان و توحید و عمل به فرائض دینی

انسان کامل سید کسی است که در ایمان و اسلام و عمل به فرائض دینی بر دیگران سبقت گرفته و در آن زمان که همه افراد جامعه بت‌پرست بوده‌اند، او اولین مؤمن به وحی و پیامبری حضرت ختمی مرتبت بوده است، در امر ترویج دین به ایشان یاری رسانده و از انجام هیچ تلاش طاقت‌فرسایی، ابایی نداشته است:

وَأُولَ مَنْ صَلَّى غَلَاماً وَ وَحْدَا	أَلَيْسَ عَلَيَّ كَانِ أَوْلَ مُؤْمِنٍ
فَيَرْقِي بِثَوْرٍ أَوْ حِرَاءٍ مُصْعَدَا	فَمَا زَالَ سِرّاً يَرْوَحُ وَ يَغْتَدِي
مَعَ الْمُصْطَفَى مِثْنِي وَ إِن كَانَ أَوْحِدَا	يَصَلِّي وَ يَدْعُو رَبَّهُ فَهَمَا
كُوَامِلَ صَلَّى قَبْلَ أَنْ يَتِمَّرَدَا	سَنِينَ ثَلَاثاً بَعْدَ خَمْسٍ وَ أَشْهَرَا
وَ أَدْنَى وَ سَادَ الْمُصْطَفَى فَتَوَسَّدَا	وَ مِنْ ذَالَّذِي قَد بَاتَ فَوْقَ فَرَاشِهِ

(الحمیری، ۱۴۲۰: ۷۴-۷۵)

(آیا علی اولین مؤمن به پیامبر نبود؟ اولین کسی نبود که در حال کودکی توحید پیشه کرد و نماز خواند؟)

همان کسی نیست که هر صبح و شام در پنهانی و استتار کامل به غار ثور و غار حراء می‌رفت و راه دشوار کوه را برای کمک به پیامبر بالا می‌رفت.

_____ انعکاس شخصیت امام علی^(ع) در شعر سید حمیری و اشعار ناصر خسرو (۱۰۸-۱۳۱) ۱۱۳

در حالی که در کنار پیامبر بود، به همراه ایشان نماز می‌خواند و خدا را به یگانگی می‌خواند، هرچند اگر هم تنها بود همین‌گونه عبادت می‌کرد. نماز می‌خواند، در حالی که هشت سال و چند ماه بیش نداشت و هنوز مرد کامل و بالغی نشده بود.

او همان کسی است که در لیل‌المبیت در جای پیامبر خوابید؛ بالش پیامبر را پیش آورد و سر به بالین ایشان نهاد. این الگوی بی‌عیب و نقص کسی است که با ایمان کامل خود در کنار پیامبر، بت‌شکن بزرگ تاریخ هم بوده است.

و لیلَةَ قَامَا يَمْشِيَانِ بِظُلْمَةٍ يَجُوبَانِ جِلْبَاباً مِنَ اللَّيْلِ غَيْهَبَا
إِلَى صَنْمٍ كَانَتْ خُزَاعَةٌ كُلُّهَا تُوقَّرُهُ كِي يَكْسِرَاهُ وَيَهْرُبَا
فَقَالَ أَعْلُ ظَهْرِي يَا عَلِيُّ وَ حَطَّهٗ فَقَامَ بِهِ خَيْرُ الْأَنَامِ مُرْكَبَا
(همان: ۳۴-۳۵)

(و آن‌گاه که پیامبر^(ص) و حضرت علی^(ع) در تاریکی شب به راه افتادند در حالی که جامه‌ای از تیرگی قیرگون شب را به تن کرده بودند به سوی بتی که همه قبایل عرب آن را ستایش و تکریم بسیار می‌کردند رفتند که آن را بشکنند و از آنجا بروند.

پیامبر به حضرت علی^(ع) فرمود: ای علی بر پشت من بالا برو و آن بت را پایین بیاور و خرد کن؛ علی^(ع) نیز به این کار اقدام کرد و بر دوش پیامبر بالا رفت.)

۲- تأیید از ناحیه پروردگار

انسان کامل در نظر سید همان کسی است که برای احراز این مقام بی‌بدیل، تأیید و گزینش از ناحیه پروردگار را دارد و اقیانوس روح او به چنان عظمتی رسیده است که برای مقام خلیفه‌اللهی مهیا شده است. این مطلب از آنجا که او در نخستین گام‌های اسلام، شجاعانه مسیر نهایی خود را در مسأله «عشیره اقربین» تعیین کرد تا آنجا که از ناحیه خداوند هزاران فرشته در یک شب به یاری او آمدند و تا آنجا که در جنگ تبوک، او به عنوان جانشین پیامبر در مدینه ماند و نهایتاً تا مسأله غدیر که یقین‌آورترین حادثه اسلام است، ادامه می‌یابد:

و سَلَّمَ جِبْرِيلُ وَ مِيكَالُ لَيْلَةً عَلَيْهِ وَ إِسْرَافِيلُ حَيَّاهُ مُعْرِبَا
أَحَاطُوا بِهِ فِي رَوْعَةٍ جَاءَ يَسْتَقِي وَ كَلَّ عَلَيَّ أَلْفٍ بِهَا قَد تَحَزَّبَا
ثَلَاثَةَ آلَافٍ مَلَائِكًا سَلَّمُوا عَلَيْهِ فَأَدْنَاهُمْ وَ حَيَّا وَ رَحَّبَا
(همان: ۳۴-۳۵)

(و در یک شب جبرئیل، میکائیل، اسرافیل، ملائکه بزرگ الهی، خدمت او آمدند و به وضوح به ایشان سلام کردند.)

همگی گرد او را گرفتند در آن موضع وحشتناکی که او برای آوردن آب آمده بود، آنان هر یک به همراه هزار فرشته پاک و مطهر او را احاطه کردند. سه هزار فرشته بزرگ الهی بر او سلام کردند و آن حضرت ایشان را به خود نزدیک کرده و به آنان خوش آمد گفت.)

وَ كُنْتَ الْخَلِيفَةَ دُونَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَى أَهْلِهِ يَوْمَ يَغْزُو تَبُوكَا
غَدَاةً أَنْتَجَاكَ وَ ظَلَّ الْمَطِيُّ بِأَكْوَارِهِمْ إِذْ هُمْ قَد رَأَوْكَا
يَرَاكَ نَجِيًّا لَكَ الْمَسْلُومُونَ وَ كَانَ الْإِلَهُ الَّذِي يَنْتَجِيكََا
عَلَى فَمِّ أَحْمَدٍ يُوحَى إِلَيْكَ وَ أَهْلُ الضَّغَائِنِ مُسْتَشْرٍ فُوكَا
(همان: ۱۴۹)

(آن روز که پیامبر برای جنگ تبوک از مدینه خارج می‌شد، از میان همه خلق تو را به عنوان خلیفه برگزید و بر همه صحابه خود سروری بخشید.)

آن زمان که ایشان مرکب‌های خود را به قصد جنگ تبوک راندند، همگان دیدند که پیامبر تو را به جانشینی خود در شهر برگزید.

همه مسلمانان تو را برگزیده او یافتند و دیدند که خداوند تو را در بیان پیامبر انتخاب کرده است. بر تو به زبان پیامبر وحی می‌شد و این کینه‌توزان حسود بر تو چیره و غالب شده و اشراف داشتند. این تأییدات الهی همواره در جنگ و صلح و ایفای نقش‌های اجتماعی و مسائل شخصی و عبادی همراه او بوده است.

۳- داشتن کرامات و رخدادهای ویژه و امتیازات منحصر به فرد

حضرت علی^(ع) در اشعار سید مانند سایر چهره‌های عرفانی که از انسان کامل ترسیم می‌شود، دارای کرامات و ابعاد شخصیتی درخشان و گسترده‌ای در زمینه‌های فردی و

_____ انعکاس شخصیت امام علی^(ع) در شعر سید حمیری و اشعار ناصر خسرو (۱۳۱-۱۰۸) ۱۱۵

اجتماعی است؛ با این تفاوت که کرامات و ویژگی‌های او از سرچشمه زلال حقیقتی محض سیراب است.

این چهره ممتاز در شعر سید یک تصویر مافوق بشر نیست، یک بشر مافوق است. در بازار مسلمین خرید و فروش می‌کند، در یک شب پر خطر و هولناک در جای مراد و محبوب خویش می‌خواهد تا جان شریف او را از خطر برهاند، در تمام جنگ‌ها شرکت می‌کند و با دلاوری و شجاعتی بی‌مانند و مثال‌زدنی چون شیر ژیان از کیان اسلام دفاع می‌کند:

إِلا تَضَعَّعَ ثَمَّ انصاعَ منهزماً	ما أَمَّ يَوْمَ الوَغَى زحفاً برايته
بأبيضَ منه قد دمَّ الفلاةَ دماً	أو بلَّ مفرقَ مَنْ لم يُنَجِّهِ هرباً
تفرغُ من تحتِ الحِجابِ فَمَا	أو نالَ مهجته طعناً بنافذة نجلاء

(همان: ۱۷۸)

ذا الوحي من مقتدرٍ قادرٍ	أن عليّاً عاينَ المصطفى
صلى عليه الله من صابرٍ	عائنه من جوعه مطرقاً
بصهره ذى النسبِ الفاخر	و ظلّ كالوالده مما رأى
يسقى بدلو غير مستأجر	يجولُ إذ مرّ بذى حائطٍ
بكلِّ دلوٍ مترعٍ ظاهرٍ	قال له ما أنتَ لى جاعلٌ

(همان: ۱۱۹)

(در هیچ جنگی شرکت نمی‌کرد. مگر اینکه وقتی پرچم ظفرمند او را در میدان کارزار می‌دیدند شکست‌خورده و ترسان می‌گریختند. یا آنکه فرصت گریختن از پیش روی او را نمی‌یافت، به وسیله شمشیر درخشان او خون سیل‌آسا از پیکر او جاری می‌شد. یا اینکه نیزه او دلاورانه پرده ضخیم قلب دشمن را می‌درید و به عمق قلب او می‌رسید و دریچه‌ای در سینه‌اش دهان می‌گشود.

روزی علی^(ع) دید که پیامبر بزرگ الهی که فرستاده خداوند قادر و تواناست. از شدت گرسنگی گویی شکم ایشان به پشتش چسبیده است؛ صلوات خداوند بر این صبر عظیم و بی‌پایان باد؛ داماد بزرگوار او وقتی این صحنه را دید هم چون عاشقی دل سوخته به حال پیامبر اندوهناک شد.

رفت و گشت تا این که صاحب باغی را پیدا کرد که بدون یاری هیچ کارگری، خود با دلوی باغ خود را سیراب می کند.

امام به او فرمود: در ازای هر دلو پر از آبی که برای تو بکشم، چه قدر به من می دهی؟ سپس امام بیست دلو آب برای او می کشد و در ازای بیست خرما می گیرد و به خدمت پیامبر^(ص) می آورد.

این چهره نمادین، صاحب علم اعلا و الهی است؛ در یک شب هزار هزار باب از علوم مختلف به اذن الهی و به اشارت حضرت خاتم^(ص) به روی او گشوده می شود؛ با کرشمه ای از نیم نگاه او، خورشید غروب کرده باز می گردد؛ در یک شب هزاران هزار ملائکه مقرب الهی به خدمتش برمی خیزند؛ از سینه سوزان بیابانی که قرن هاست خشک و لم یزرع مانده، چشمه آب گوارا برمی آورد. وقتی که ماری در کفش های او می خزد عقابی فرود می آید و یاری اش می کند، و هزار مشخصه منحصر به فرد دیگر که هر خرد آگاه و جان فضیلت جویی را محو تماشای خود می کند:

عَلَىٰ عَلَيْهِ رُدَّتِ الشَّمْسُ مَرَّةً بِطَيِّبَةٍ يَوْمَ الْوَحْيِ بَعْدَ مَغِيبِ
وَرُدَّتْ لَهُ الْآخِرَىٰ بِبَابِلَ بَعْدِمَا غَفَّتْ وَ تَدَلَّتْ عَيْنُهَا لِغُرُوبِ
(همان: ۴۹)

(علی^(ع) همان کسی است که یک بار خورشید در سرزمین طیبه پس از غروب، به احترام او بازگشت و یک بار نیز در بابل و یک بار نیز در سرزمین بابل خورشیدی که از نظرها ناپدید شده و میل به غروب کرده بود (به اشارت نگاه او) بازگشت و درخشید.)

فَثْنَى الْأَعْيُنَ نَحْوًا وَعَثِ فَاجْتَلَى مَلَسَاءَ تَبْرُقُ كَاللَّجِينِ الْمُذْهَبِ
قَالَ أَقْلِبُوهَا إِنْكُمْ إِنْ تَقْلِبُوا تُرَوُّوا وَ لَا تُرَوُّونَ إِنْ لَمْ تُقْلِبِ
فَاعَصَوْ صَبَّوْا فِي قَلْبِهَا فَتَمَنَعَتْ مِنْهُمْ تَمْنَعُ صَاعِبَةٌ لَمْ تُرْكَبِ
حَتَّى إِذَا أَعْيَتْهُمْ أَهْوَىٰ لَهَا كَقَامَتِي تَرِدُ الْمَغَالِبَ تَغْلِبِ
فَكَأَنَّهَا كُرَّةٌ بِكَفِّ حَزْوَرٍ عَبَلِ الذَّرَاعِ رِحَابِهَا فِي مَلْعَبِ
(همان: ۴۱-۴۲)

(علی^(ع) و سپاهیان پس از آنکه مطمئن شدند در آن بیابان تا فرسنگها آب نیست، عنان مرکب های خود را به سوی قطعه زمین سخت و همواری گرداندند که امام علی از دل آن آبی لطیف و درخشان همچون درخشش طلا و نقره بیرون آورد.)

_____ انعکاس شخصیت امام علی^(ع) در شعر سید حمیری و اشعار ناصر خسرو (۱۳۱-۱۰۸) ۱۱۷

سپس به همراهانش فرمود: مشک‌های خود را از این آب پر کنید و خود را سیراب سازید که اگر چنین نمی‌کردند دیگر تا فرسنگ‌ها در جایی سیراب نمی‌شدند. سپاهیان گروه‌گروه شدند و تلاش کردند که آن سنگ سخت و صاف را از جا برکنند اما نتوانستند و سنگ بر آنان سرکشی کرد، همچون سرکشی شتری که سواری نمی‌دهد. تا اینکه همهٔ آنان را ناتوان ساخت و آن دستی که هرگاه به سوی امر دشواری دراز می‌شد بر آن چیره می‌گشت، به سوی آن خم شد. و به دست او چنان سبک از جای کنده شد که گویی توپ کم‌وزنی در دست جوان دلاور پهلوانی است که آن را به راحتی در میدان بازی می‌غلطاند.

بنابراین در ترسیم سیمای انسان کامل در اشعار سید، به جنبهٔ إلی‌الحقی و ماورایی و معصوم حضرت علی^(ع) توجه شده است. ترسیم این چهره، حس تکریم و عشق به معنویت را در انسان زنده می‌کند و روح او را از لذتی معنوی و روحانی سرشار می‌کند. از سوی دیگر جنبهٔ إلی‌الخلق این شخصیت نیز به خوبی نمایانده شده است تا دل‌های مشتاق درک فضائل اخلاقی و معنوی، بهترین و مطمئن‌ترین الگو را در پیمودن این راه دشوار بیابند و به آرامش و پشتوانه‌ای عظیم دست یابند.

۴- دارا بودن پشتوانه‌ای محکم از آیات و روایات

برترین چهره‌ای که سید از انسان در شعر خود آورده است، چهرهٔ ملکوتی کسی است که پشتوانه‌ای از آیات و روایات را در تأیید گزینش و برتری خود دارد و نیاز به ساخت و جعل افسانه در بیان عظمت او و تراشیدن کرامات دور از ذهن و غیرعادی برای اثبات ولایت حقهٔ او نسبت به خلق نیست.

إِنَّ يَوْمَ التَّطْهِيرِ يَوْمٌ عَظِيمٌ خُصَّ بِالْفَضْلِ فِيهِ أَهْلُ الْكِسَاءِ

(همان: ۱۹)

(حقیقتاً واقعهٔ روز نزول آیهٔ تطهیر، واقعه‌ای بس بزرگ و شگرف است، روزی که در آن اهل بیت پیامبر که در زیر عبای آن حضرت جمع شده بودند به فضیلت و کرامتی عظیم مفتخر شدند.)

شخصیت عظیم و منحصر به فردی که سوره‌های از سوره‌های قرآن (هل أتی) و تعداد قابل توجهی از آیات شریف آن در تکریم و بزرگداشت او نازل شده است، بیان مکارم و فضایل از سوی دیگران به چه کار می‌آید؟

سَمَاءُ جَبَّارُ السَّامَا صِرَاطَ حَقِّ قَسَمِي
فَقَالَ فِي الذِّكْرِ وَمَا كَانِ حَادِثًا يُفْتَرِي
هَذَا صِرَاطِي فَاتَّبِعُوا وَعَنْهُمْ لَا تُخَدَعُوا
فَخَالَفُوا مَا سَمِعُوا وَالْخُلُفُ مِمَّنْ شُرَعَا
(همان: ۲۸)

(پروردگار آسمان‌ها علی^(ع) را شاهراه حق و حقیقت خواند و بدین‌سان به اوج عزت و سربلندی فرا رفت.

آنجا که خداوند در کتاب الهی او را بدین فضل بی‌همتا مفتخر کرد و این هرگز ادعایی کذب و سخنی یاوه نیست.

این علی، راه روشن و آشکار رسیدن به من است پس از او تبعیت کنید و درباره این خاندان مکر و حيله به کار نبرید.

اما جماعتی با آنچه شنیده بودند به مخالفت برخاستند چه قدر مخالفت با آنچه از ناحیه خدا تعیین و تشریح شده است امر غریبی است.)

۵- شجاعت و شهامت وصف‌ناپذیر

دیوان شعر سید سرشار از وصف شجاعت‌ها و جان‌نثاری‌های بی‌مانند امیرالمؤمنین^(ع) است؛ صحنه‌هایی که شاعر آن را به عنوان یک الگوی ارزشمند برای انسان‌ها در طول تاریخ به نظم می‌کشد تا دریابند انسان کامل کسی است که بذل جان و مال و نام در راه حفظ دین الهی، جزو خصلت‌های بارز اوست.

بَاتُوا وَ بَاتَ عَلَى الْفَرَاشِ مُلْفَعًا فَيَرُونَ أَنَّ مُحَمَّدًا لَمْ يَذْهَبِ
حَتَّى إِذَا طَلَعَ الشَّمِيطُ كَأَنَّهُ فِي اللَّيْلِ صَفْحَةً خَدَّ أَدْهَمٍ مُغْرِبِ
ثَارُوا لِأَخِي الْفَرَاشِ فَصَادَفَتْ غَيْرَ الَّذِي طَلَبْتَ أَكْفَ الْخَيْبِ
(همان: ۴۳)

_____ انعکاس شخصیت امام علی^(ع) در شعر سید حمیری و اشعار ناصر خسرو (۱۳۱-۱۰۸) ۱۱۹

(دشمنان پیامبر^(ص)) شب را به انتظار او درنگ کردند؛ در حالی که علی^(ع) در بستر ایشان خفته بود و بُرد حضرت را بر خود پیچیده. آنان می‌نگریستند و می‌پنداشتند محمد^(ص) از خانه بیرون نرفته است.

تا آن زمان که اولین سپیده‌های فجر بردمید درخشش صبحدمان در میانه تیرگی شب به درخشش چهره سپید اسب سیاه و نژاده‌ای می‌مانست.
دشمنان برای کشتن آن که در بستر خفته بود به خانه حمله کردند و ناگهان دست‌های ناامیدشان با کس دیگری در بستر مواجه شد.

۶- بهره‌مندی از علم و معرفت الهی

چهره‌ای که سید در قالب مدح و واگویه فضایل بی‌پایان حضرت امیر^(ع) از انسان کامل ترسیم می‌کند، کسی است که گنجینه علم اولین و آخرین را در سینه دارد؛ آن هم علمی که از آب‌سخور لایزال وحی سیراب گشته است.

و بعدّه ابن ابی طالب	و بعدّه ابن ابی طالب
و یعزلُ العالم فی جانب	و یعزلُ العالم فی جانب
ألف حدیثٍ مُعجِبٍ عاجِب	ألف حدیثٍ مُعجِبٍ عاجِب
یفتَحُ ألفاً عِدّة الحاسِب	یفتَحُ ألفاً عِدّة الحاسِب
فیهَا جماع المحکم الصائب	فیهَا جماع المحکم الصائب

(همان: ۵۵)

(محمد، رسول خدا^(ص)) و بهترین فرزند عرب است و پس از او علی پسر ابی‌طالب برگزیده‌ترین خلق خداست.

چه بسیار پیش می‌آمد که این پیامبر برگزیده الهی، وصی و جانشین خود را به حضور می‌طلبید و همه اهل آدم را رها می‌کرد

و در یک مجلس هزار حدیث عجیب را که هر یک حامل علمی ژرف و بی‌منتها بود برای او بازگو می‌کرد.

هریک از این احادیث از میان گنجینه علوم نبوی برگزیده شده بود و از هرکدام هزار باب علم بی‌حساب گشوده می‌شد.

از آن مجالس عالمانه هزارهزار گوهر نایاب علم و معرفت برای او در کمال بینش حاصل می‌شد که در آن، مجموع علوم محکم و سیراب از حقیقت ناب نهفته بود. محورهایی که سید حمیری سعی در انعکاس سیمای ماورایی انسان کامل در آیینۀ آنها داشته است، آن‌چنان گسترده و دقیق است که در مجال این سطور نمی‌گنجد و تنها می‌توان با ذکر گذرای پاره‌ای از آنها لذت درک این تصویر جاودانه و جامع را چشید. محورهایی چون تعبد و خلوص در اجرای فرامین الهی، فهم و دریافت معانی پوشیده قرآن و عمل به آیات الهی در حد اعلاّی معرفت انسانی، جامعیت و به کمال رسیدن وجوه شایسته انسانی در شخصیت امام^(ع)، همراهی و اطاعت دائمی از شخص رسول‌الله^(ص) تا آخرین لحظه عمر و هزار تصویر دیگر که هر یک روح آدمی را از غنای معنوی سرشار می‌کند.

سیمای انسان کامل در شعر ناصر خسرو

در ادب فارسی ناصر خسرو شاعری معترض و منتقد به شمار می‌رود. شهرت این شاعر متکلم و اسماعیلی‌مذهب به سروده‌های سیاسی-اجتماعی و مذهبی اوست. با توجه به شخصیت متفکر، انقلابی و ظلم‌ستیز ناصر خسرو و توجه عمیق او به ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها می‌توان سیمای انسان کامل را در سروده‌های این شاعر بررسی کرد.

۱- پایبندی و توجه به علم دین

در ادب فارسی کمتر شاعری مانند ناصر خسرو چنین گسترده به ستایش خرد و دانش و بیان ضرورت علم‌اندوزی پرداخته است. این توصیه و دعوت به خردورزی و دانش‌اندوزی، محدود به آثار مکتوب ناصر خسرو نیست، بلکه در زندگی و شخصیت این شاعر نیز بازتاب آن را می‌توان دید تا بدان‌جا که درباره او گفته‌اند: «ناصر خسرو در حدود چهل و دو سالگی مردی بسیار دانشمند و آشنا به علوم و معارف زمان خود بوده است.» (برتلس، ۱۳۴۱: ۱۷۳)

اغلب محققان بر هوش، استعداد، دانش و مطالعات فراوان ناصر خسرو تأکید کرده‌اند. این شاعر اندیشمند «نه تنها در ادب فارسی و عربی تبخّر حاصل کرده بود و قرآن را از بر داشت، بلکه در علوم عقلی و نقلی متداول زمان به خصوص حکمت و نجوم و حساب و هندسه و کلام و ادیان و مذاهب، اطلاعات فراوان اندوخته بود.» (یوسفی، ۱۳۸۶: ۵۴)

_____ انعکاس شخصیت امام علی^(ع) در شعر سید حمیری و اشعار ناصر خسرو (۱۳۱-۱۰۸) ۱۲۱

همچنان که گفته شد، اندیشه ضرورت علم‌اندوزی در دیوان ناصر خسرو مکرراً به چشم می‌خورد. وی در بسیاری از قصاید خود با لحن پند و اندرز، ضرورت توجه به علم را گوشزد می‌کند:

زیبا به علم شو که نه زیباست آن کس که او به دیبا زیبا شد
(ناصر خسرو، ۱۳۷۰: ۳۴۰)

علم و حکمت را طلب کن گر طرب جویی همی تا به شاخ علم و حکمت پر طرب یابی رطب
(همان: ۹۶)

از دیدگاه ناصر خسرو هدف از آفرینش، پیدایش مردم خردمند و عالم است: «عالم به مثل درختی است که بار آن درخت، مردم عاقل است و غرض نشاندۀ تخم درخت و تعهد او مر درخت را آن باشد تا بار از او حاصل آید نه آنک تا آن درخت موجود باشد.»
(ناصر خسرو، ۱۳۳۲: ۲۸۸)

البته علمی که ناصر خسرو بر آن تأکید دارد، همچنان که اسماعیلیه اعتقاد دارند، علم دین است و منظور از آن علمی است که از حضرت رسول^(ص) به حضرت علی^(ع) و فرزندان ایشان رسیده است.

ترسیدن مردم ز مرگ دردی است کان را به جز از علم دین دوا نیست
(ناصر خسرو، ۱۳۷۰: ۱۱۵)

از همین روست که ناصر خسرو اهمیت کسب علم را با استشهاد به احادیث بیان می‌کند:
علم را فرمودمان جستن رسول جست باید از نباشد جز به چین
«قیمت هر کس به قدر علم اوست» هم چنین گفته است امیرالمؤمنین
(همان: ۱۱۹)

در حقیقت علمی که ناصر خسرو از آن صحبت می‌کند، تعلیم و عطیۀ الهی است.
در نفس من این علم عطاییست الهی معروف چو روز است نه مجهول و نه منکر
(همان: ۱۳۴)

چنین علمی راهنمای انسان به سوی طاعت و پارسایی است. از این‌رو در بسیاری از ابیاتی که تأکید بر علم‌آموزی در آن‌ها دیده می‌شود، علم و طاعت را در کنار یکدیگر می‌بینیم. از دیدگاه ناصر خسرو، علم و طاعت، فصل ممیز انسان از موجودات دیگر است.
مردم از گاو ای پسر پیدا به علم و طاعت است مردم بی‌علم و طاعت گاو باشد بی‌ذنب

(همان: ۹۸)

ز علم و طاعت جانت ضعیف و عریان است به علم و طاعت بیوش این ضعیف عریان را

(همان: ۱۱۸)

۲- خردورزی و تفکر

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که ناصر خسرو برای انسان ضروری می‌داند، خردورزی است. «این اندیشمند بر این عقیده است که نفس ناطقه انسان بر حسب ذات و جبلت خود جستجوگر است و بر اساس همین جستجوگری و تفکر است که شایسته خطاب خداوندی شناخته می‌شود.» (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۲: ۱/ ۳۴۹) ستایش خرد و دعوت و توصیه به تفکر و دریافت راز آفرینش در آثار ناصر خسرو بسیار دیده می‌شود:

این عالم بزرگ ز بهر چه کرده‌اند از خویشتن بی‌رس تو ای عالم صغیر
ور می‌بمرد خواهند این زندگان همه بودش همی ز بهر چه باید بدین زحیر
(ناصر خسرو، ۱۳۷۰: ۱۰۳)

ناصر خسرو جمود فکری، تعصب و پذیرش آراء دیگران را بدون منطق و استدلال، رد می‌کند و ریشه پذیرفتن مقلدانه را نیز جهل می‌داند. او در آثار خود همواره عوام را نکوهش می‌کند که چرا به جای تأمل و اندیشه و رد و قبول عالمانه، تنها به سخنان دیگران اکتفا می‌کنند.

خرد کاو رسول خدایست زی تو چه خوانده‌ست بر تو در این باب؟ برخوان
از این در به برهان سخن گوی با من نخوانم که گویی فلان گفت و بهمان
(همان: ۸۴)

از نگاه ناصر خسرو فضیلت انسان در حقیقت و جستجو و چون و چراست نه تقلید خام.
از این رو با جهل و تقلید و ظاهرپرستی مبارزه می‌کند:

تو گویی که چون و چرا من نجویم سوی من همین است بس مذهب خر
(همان: ۳۰۸)

این شاعر متفکر «به آنچه در ظاهر است، راضی و خرسند نمی‌شود، نماز ظاهر را که در آن دل را نرمی و افتادگی نیست، به چیزی نمی‌گیرد، نیاز درون را می‌جوید. از آن حج که

_____ انعکاس شخصیت امام علی^(ع) در شعر سید حمیری و اشعار ناصر خسرو (۱۳۱-۱۰۸) ۱۲۳

ظاهریان در پی آن خسته و "محنت بادیه خریده به سیم" باز می‌گردند، راضی نمی‌شود، باطن احکام آن جستجو می‌کند. «(زرین کوب، ۱۳۷۸: ۹۶)

البته این نکته را نباید از یاد برد که نگاه مثبت و اغراق‌آمیز ناصر خسرو نسبت به خلیفه فاطمی، با اهل تحقیق و تفکر بودن این شاعر چندان سازگار نمی‌نماید. تا بدان جا که «او را تافته جدا بافته می‌داند و از عیب‌های همگانش مبرا می‌شناسد، با آنکه در دین و حکمت، هوادار چگونگی و چرایی است، اعتقاد او به خلیفه مصر، بی‌چون و چراست. با دوستی او در دامی می‌افتد که دیگران را از آن سرزنش می‌کرده و آن، دام تعصب و جمود است.» (اسلامی ندوشن، ۱۳۵۳: ۳۸)

۳- محبت اهل بیت^(ع) و پیروی از آنان

مهم‌ترین رکن مذهبی اسماعیلیه، اصل امامت و تعالیم مربوط به نقش دنیوی این مذاهب است. در آثار نظم و نثر ناصر خسرو مکرراً بر اهمیت اصل امامت و ضرورت پیروی از حضرت رسول^(ص) و اهل بیت^(ع) خصوصاً حضرت علی^(ع) تأکید شده است.

در *زادالمسافرین* یک فصل کامل به موضوع امامت اختصاص دارد. در این فصل آمده که غرض صانع عالم از آفرینش این عالم، پدید آوردن مردم است و پس از آن فرستادن شخصی که امام ایشان باشد. این فرد باید به تأیید و فضل الهی از دیگر اشخاص، برتر و بر مردمان سالار باشد و به واسطه او مردم به کمال برسند. هر که از امام فاصله بگیرد بهره معنوی نیابد و به حیات ابدی نرسد. (ناصر خسرو، بی‌تا: ۴۶۹-۴۷۰) در وجه دین نیز یک گفتار به شناختن امام در هر زمانی اختصاص دارد. (ر.ک: برتلس، ۱۳۴۱: ۳۴۹)

ناصر خسرو «حضرت علی^(ع) را خازن قرآن و شبان امت پس از محمد^(ص) می‌داند و کسانی را که دیگری را به خلافت گزیدند، نکوهش می‌کند.» (شهیدی، ۱۳۵۳: ۳۳۷)

قرآن را یکی خازنی هست کایزد	حواله بدو کرد مر انس و جان را
پیمبر شبانی بدو داد از امت	به امر خدا این رمه بی‌کران را
تو بر آن گزیده خدا و پیمبر	گزید فلان و فلان و فلان را

(ناصر خسرو، ۱۳۷۰: ۱۱)

۴- آگاهی بخشی

دعوت به پارسایی، خردورزی، تقوا و کسب دانش به منظور ساختن انسان‌هایی شایسته در علم و عمل، رسالتی است که ناصر خسرو برای خود و برای هر انسان آگاه قائل است و در این راه ستم و طرد و دشمنی خواص و عوام جامعه نیز مانع از انجام وظیفه او نمی‌شود. «او به عنوان سخنوری آگاه، خود را مسئول و موظف معرفی می‌کرد، وظیفه بیدار گرداندن و ارشاد مردم و مسئولیت دینی و وجدانی در برابر خداوند. تاریکی جهل و تعصب هم نمی‌توانست او را از این کار منصرف کند.» (یوسفی، ۱۳۵۳: ۶۲۱) از دیدگاه ناصر خسرو اگر جهل مردم دلیل بر خاموشی علما و حکما بود، حضرت رسول (ص) قرآن و تعالیم آن را بر مردم عرضه نمی‌فرمود. (ر.ک: ناصر خسرو، ۱۳۳۳: ۳۰۸) از نگاه ناصر خسرو نشر دین و علم، وظیفه‌ای الهی، اخلاقی و انسانی است:

به حرب اهل ضلالت ز بهر کشتن جهل سخت را چو بُرنده حسام باید کرد
ز بهر کردن بیدار جمع مستان را یکی منادی بر طرف بام باید کرد
(ناصر خسرو، ۱۳۷۰: ۱۵۷)

۵- مبارزه با ظلم و تزویر

ناصر خسرو در جامعه روزگار خود و از نگاه قدرت حاکم، در اصطلاح سیاسی، شخصی دگراندیش و دگرباش به شمار می‌رود؛ بدین معنی که به عنوان یک شیعه اسماعیلی از لحاظ اعتقادی، اندیشه‌ای خلاف حکومت وقت و خلافت بغداد دارد. از سوی دیگر در عمل نیز با ظلم و تزویر حاکم مبارزه می‌کند و رنج طرد و تبعید را می‌پذیرد. از همین روست که ناصر خسرو از صریح‌ترین و بی‌باک‌ترین نمایندگان تفکر اعتراضی در ادبیات فارسی و از پایه‌گذاران نبرد با ریا و نیرنگ به شمار می‌رود. انسان کامل ناصر خسرو نیز انسانی ظلم‌ستیز، آگاه و دشمن نفاق و تزویر است:

قول چون خرما و هم چون خار فعل این نه دین است این نفاق است ای کرام
وین زمان را بین که چون همچون نهنگ بر هلاک خلق بگشاده است کام
باش‌گونه کرده عالم پوسستین زاد مردان بندگان را گشته دام
(همان: ۳۶۴)

_____ انعکاس شخصیت امام علی^(ع) در شعر سید حمیری و اشعار ناصر خسرو (۱۳۱-۱۰۸) ۱۲۵

قصاید تند و انتقادی ناصر خسرو برخاسته از نوعی ایده‌آلیسم سیاسی است. این مکتب - همچنان که از نام آن برمی‌آید- ارزش‌ها و آرمان‌ها را در شیوه حکومت و ارتباطات داخلی و خارجی، اساس قرار می‌دهد. ناصر خسرو نیز در شعر و اندیشه و عمل، هرگز باورها و ارزش‌های خود را فدای مصلحت‌اندیشی و منفعت‌جویی نمی‌کند.

ناصر خسرو در کنار حمله به غزنویان و سلجوقیان و عباسیان، عامه مردم را نیز گنه‌کار و مستوجب سرزنش می‌داند؛ چرا که معتقد است از ظلم و باطل تبعیت می‌کنند و حق را از ناحق تشخیص نمی‌دهند:

ای امّت بدبخت بر این زرق‌فروشان جز کز خری و جهل چنین فتنه چرایید؟
خواهم که بدانم که مر این بی‌خردان را طاعت به چه معنی و ز بهر چه نمایید؟
(ناصر خسرو، ۱۳۷۰: ۴۴۷)

در این ابیات، ناصر خسرو به نظام راعی-رعیتی (شبان-رمگی) حاکم بر جامعه زمان خود انتقاد می‌کند؛ نظامی که در آن، مردم از روی جهل و ناآگاهی، سخنان بزرگان و سران قوم را کورکورانه اطاعت می‌کنند.

در قصیده فوق که از کوبنده‌ترین قصاید ناصر خسرو است، مانند بسیاری از دیگر اشعار او، علما، فقها، قضات و دیگر طبقات بالای جامعه از آنجا که تأییدکننده حکومت ظلم‌اند، از انتقادات تند و کوبنده شاعر برکنار نیستند.

چون حکم فقیهان نبود جز که به رشوت بی رشوت هر یک ز شما خود فقهایید
این ظلم به دستوری از بهر چه باید؟ چون مال ز یکدیگر بس خود بربایید
(همان)

«در جامعه‌های گرانبار از تعارض و برخورد که در آن اصیل بر قلب و ظاهر بر باطن و خلاصه صورتک هر چیز بر اصل آن چیرگی دارد و ریاکاری و تعصب و تعبد میدان‌دار است، آثاری از این دست به منزله ضرباتی است که وضع مزاجی اجتماع را می‌نماید.» (اسلامی ندوشن، ۱۳۵۳: ۳۳)

۶- دنیا‌گریزی و وارستگی

از صفات برجسته‌ای که ناصرخسرو خواننده را بدان دعوت می‌کند و خود نیز در دوره دوم زندگی خویش سخت بدان پایبند است، دنیا‌گریزی و پارسایی است. ناصرخسرو بر این باور است که پارسایی، خرسندی و بی‌نیازی را به همراه می‌آورد:

پارسا شو تا بباشی پادشا بر آرزو کارزو هرگز نباشد پادشا بر پارسا
(همان: ۴۹۳)

او پارسایی را در صفای قلب، کم‌آزاری، بردباری و بخشندگی می‌داند:
ولیکن تو آن می‌شمر پارسا که باطن چو ظاهر ورا با صفاست
کم‌آزاری و بردباریش خو دلش با صفا و کفش با سخاست
(همان: ۸۴)

دنیا در شعر ناصرخسرو به سراب، خواب آشفته، عروس پر مکر، زن رعنا و حيله‌گر، دیو بی‌وفا، گرگ مردم‌خوار، اسب سرکش، عقاب مردم‌شکار، زندان جان، دام بلا و معدن رنج و غم و تاریکی تشبیه شده است. (ر.ک: احسن، ۱۳۵۳: ۲۴۴-۲۴۶)
ای پسر گیتی زنی رعناست بس غر با فریب فتنه سازد خویشتن را چون به دست آرد عذب
(ناصرخسرو، ۱۳۷۰: ۳۷)

در گردن جهان فریبنده کرده دو دست و بازوی خود چنبر
و آگاه نیستی که یکی افعی داری گرفته تنگ و خوش اندر بر
(همان: ۸۶)

ناصرخسرو نه تنها پیوسته مخاطب خود را به ترک دنیا دعوت می‌کند، بلکه خود نیز در عمل، انسانی فارغ از مادیات و دل‌بستگی‌های دنیوی است. در سراسر قصاید او جز مدح خلفای فاطمی، یک بیت مدح دیده نمی‌شود. «در تمام دوازده هزار بیت دیوان او، چاشنی عشق و نمک غزل نمی‌توان یافت. او بیشتر حکیم است تا شاعر و بیشتر زاهد است تا بیانگر انفعالات نفس.» (دشتی، ۱۳۶۲: ۲۱) تا بدان جا که خنده و شادی را نشانه بی‌خردی می‌داند و خواب و خور را نکوهش می‌کند:

خنده از بی‌خردی خیزد، چون خندم چون خرد سخت گرفته است گریبانم
(ناصرخسرو، ۱۳۷۰: ۱۹۶)

_____ انعکاس شخصیت امام علی^(ع) در شعر سید حمیری و اشعار ناصر خسرو (۱۳۱-۱۰۸) ۱۲۷

خواب و خور است کار تو ای بی‌خرد جسد لیکن خرد به است ز خواب و ز خور مرا
(همان: ۱۲)

گویى حتى زیبایی‌های طبیعت نیز به عنوان جلوه‌ای از دنیا در نظر ناصر خسرو جایگاهی
ندارد و توصیف طبیعت در شعرش مقدمه‌ای برای تعلیم و بیدارگری است.

شصت بار آمد نوروز مرا مهمان جز همان نیست اگر ششصد بار آید
سوی من خواب و خیال است جمال او گر به چشم تو همی نقش و نگار آید
(همان: ۱۶۱)

از دیدگاه ناصر خسرو تن‌پروری و توجه به نیازهای مادی است که موجب خواری انسان و
از دست رفتن گوهر شرافت و آزادگی می‌شود و او را زیردست ارباب قدرت قرار می‌دهد.
خوار که کردت به پایگاه شه و میر در طلب خواب و خور جز این تن خوشخوار؟
(همان: ۲۵۸)

حکیم آن است کاو از شاه نندیشد نه آن نادان که شه را شعر گوید تا مگر چیزیش فرماید
(همان: ۴۰)

از این‌رو در یکی از معروف‌ترین قصاید اعتراضی خود به شاعرانی که برای حفظ مصالح و
منافع خود، قدرت ستمگر حاکم را تأیید می‌کنند، به تندی انتقاد می‌کند:
ای شعر فروشان خراسان بشناسید این ژرف سخن‌های مرا گر شعرا یبید
بر حکمت میری ز چه یابید چو از حرص فتنه غزل و عاشق مدح امرایید؟
(همان: ۴۴۷)

ناصر خسرو در زمانه‌ای زندگی می‌کند که شاعران بزرگ‌ترین دستگاه تبلیغاتی و مؤثر بر
ذهن مردم خصوصاً عامه‌اند. این شاعران با سروده‌های مدحی خود، محبوبیت و مقبولیت
دستگاه قدرت را تأمین می‌کنند. از نگاه ناصر خسرو، حرص و دنیاخواهی، خواص و طبقه
آگاه جامعه مانند شعرا، قضات و علما را به سمت تأیید حاکمان ظالم می‌برد:

یکتا نشود حکمت مر طبع شما را تا از طمع مال، شما پشت دو تایید
آب ار بشودتان به طمع باک ندارید مانند ستوران سپس آب و گیایید
(همان)

این شاعر مبارز، خود در جهان معنوی ساخته خویشت که بر پایه دین و اخلاق است، سربلند و با افتخار زندگی می‌کند. با استغنا و وارستگی، رنج‌ها و کمبودهای مادی را به هیچ می‌گیرد و به غنای جان، تعالی روح و عزت نفس می‌اندیشد:

اسیرم نکرد این ستمکاره گیتی چو این آرزو جوی تن گشت اسیرم
چو من پادشاه تن خویشت گشتم اگرچند لشکر ندارم، امیرم
به تاج و سریرند شاهان مُشهر مرا علم و دین است تاج و سریرم
(همان: ۴۴۵)

یکی از دلایل اصلی توفیق ناصر خسرو در سرودن اشعار کوبنده، افشاگر و انتقادی، همین پارسایی و وارستگی اوست. این شاعر متفکر «از آنجا که بدون آرزو و نیاز به نقد می‌نشیند، بسی از چیزها را می‌بیند که همانندانش در عهد او درست قادر به تجزیه و تحلیل آن نیستند. روشنگری فکری و روشنی روحی او برخاسته از همین جایگاه ایستایی او در عصر خویشت است.» (محبتی، ۱۳۷۹: ۲۹۲)

نتیجه‌گیری

توجه به علم دین، همراهی علم و طاعت و پابندی به انجام فرائض، از صفات برجسته انسان کامل در شعر ناصر خسرو است. از منظر ناصر خسرو خردورزی و تفکر در راز آفرینش، در کنار پژوهش در علم و دین، لازمه انسان بودن و فصل ممیز انسان از دیگر موجودات است. محبت اهل بیت^(ع) و پیروی از ایشان نیز در نظام فکری ناصر خسرو جایگاهی خاص دارد. بنابراین نشر دین و علم، مبارزه با جهل و تقلید کورکورانه و آگاه‌سازی جامعه، وظیفه انسانی، الهی و اخلاقی یک انسان آگاه و مسئول است.

از سوی دیگر، سیمای انسان کامل در شعر سید حمیری با شخصیت حضرت علی^(ع) پیوند خورده است و برای آشنایی با سیمای انسان کامل از منظر سید باید به بررسی ویژگی‌های حضرت علی^(ع) در سروده‌های این شاعر پرداخت. آنچه موجب می‌شود سید حضرت علی^(ع) را الگوی یک انسان کامل بداند، سبقت در ایمان و عمل به فرائض دینی است.

_____ انعکاس شخصیت امام علی^(ع) در شعر سید حمیری و اشعار ناصر خسرو (۱۳۱-۱۰۸) ۱۲۹

این انسان کامل، بردبار، بخشنده و نسبت به بندگان خدا رؤوف و مهربان است؛ با دلاوری و شجاعتی بی‌مانند به دفاع از اسلام می‌پردازد و اهل کار و تلاش و استفاده از دسترنج خویش است؛ از این‌رو مورد عنایت و توجه خاص خداوند قرار دارد.

(۱) صفاتی که ناصر خسرو و سید حمیری - هر دو- برای یک انسان کامل ضروری می‌دانند، در درجه اول، ایمان واقعی و عمل به فرائض دینی است؛ پس از آن، توجه به علم، دلاوری و شجاعت در دفاع از حق، بردباری، بخشنده‌گی و توجه به حقوق مردم، تعهد و مسئولیت‌پذیری قرار دارد.

کتاب نامه

- ابراهیمی دینانی، غلام حسین. ۱۳۸۲. *دفتر عقل و آیت عشق*. جلد ۱. تهران: طرح نو.
- احسن، عبدالشکور. ۱۳۵۳. «ارزش اخلاقی و فکری شعر ناصر خسرو». در: *یادنامه ناصر خسرو*، به اهتمام جلال متینی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی. ۱۳۵۳. «پیوند فکر و شعر در نزد ناصر خسرو». در: *یادنامه ناصر خسرو*. به اهتمام جلال متینی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- الاصفهانی، ابوالفرج علی بن الحسین. ۱۴۲۳ق. *لأغانی*. ج ۷. تحقیق احسان عباس و ابراهیم السعافین. چاپ اول. بیروت: دار صادر.
- برتلس، آ. ی. ۱۳۴۱. *ناصر خسرو و اسماعیلیان*. ترجمه یحیی آرین پور، چاپ اول، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- الحمیری، اسماعیل بن محمد. ۱۴۲۰ق/ ۱۹۹۹م. *دیوان شعر سید حمیری*. ترجمه و ضبطه و قدم له ضیاءالدين الاعلمی. طبع ۱. بیروت: منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۷. *ادب فنای مهربان*. جلد اول. قم: اسرا.
- دشتی، علی. ۱۳۶۲. *تصویری از ناصر خسرو*. به کوشش مهدی ماحوزی. چاپ اول. تهران، جاویدان.
- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۷۸. *با کاروان حله*. چاپ یازدهم. تهران: علمی.
- سزگین، فؤاد. ۱۴۱۲ق. *تاریخ التراث العربی*. قم: مطبعة بهمنی.
- شهیدی، سیدجعفر. ۱۳۵۳. «فکار و عقاید کلامی ناصر خسرو». در: *یادنامه ناصر خسرو*. به اهتمام جلال متینی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- العاملی، السید المحسن الامین. ۱۹۵۸م. *اعیان الشیعه*. بیروت: مطبعة الانصاف.
- ناصر خسرو، ابومعین حمیدالدین. ۱۳۳۲. *جامع الحکمتین*. به تصحیح هانری کربن و محمد معین. چاپ اول. تهران: انستیتو ایران و فرانسه.
- ، ----- . ۱۳۷۰. *دیوان ناصر خسرو*. به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، چاپ چهارم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

_____ انعکاس شخصیت امام علی^(ع) در شعر سید حمیری و اشعار ناصر خسرو (۱۳۱-۱۰۸) ۱۳۱

_____، _____ . بی تا. *زادالمسافرین*. تصحیح محمد بذل الرحمن. برلین: انتشارات کویانی.

محبتی، مهدی. ۱۳۷۹. *سیمرغ در جستجوی قاف (درآمدی بر سیر تحول و عقلانیت در ادب فارسی)*. چاپ اول. تهران: سخن.

نسفی، عزیزالدین. ۱۳۷۹. *الانسان الکامل*. به تصحیح ماریژان موله. تهران: طهوری.

نیکلسون، رینولد الین. ۱۳۷۴. *تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا*. ترجمه محمد رضا شفیع کدکنی، تهران: سخن.

یوسفی، غلامحسین. ۱۳۵۳. «ناصر خسرو، منتقدی اجتماعی»، در: *یادنامه ناصر خسرو*. به اهتمام جلال متینی. مشهد: دانشگاه فردوسی.

_____، _____ . ۱۳۸۶. *دیداری با اهل قلم*. جلد ۱. چاپ هشتم. تهران: نشر علمی.